

اکنون نمی توانید کار من را درک کنید، اما بعد خواهی فهمید  
یوحنا 13، ۱ تا ۱۵ و ۳۴ تا ۳۵

پیش از عید پسخ، عیسی آگاه از اینکه ساعت او رسیده است تا از این جهان نزد پدر برود، کسان خود را که در این جهان دوست می داشت، تا به حد کمال محبت کرد. 2. هنگام شام بود. ابلیس پیشتر در دل یهودای آسخریوطی، پسر شمعون، نهاده بود که عیسی را تسلیم دشمن کند. 3. عیسی که می دانست پدر همه چیز را به دست او سپرده است و از نزد خدا آمده و به نزد او می رود، 4. از شام برخاست و ردا از تن به در آورد و حوله ای برگرفته، به کمر بست. 5. سپس آب در لگنی ریخت و شروع کرد به شستن پاهای شاگردان و خشک کردن آنها با حوله ای که به کمر داشت. 6. چون به شمعون پطرس رسید، او وی را گفت: «سرور من، آیا تو می خواهی پای مرا بشویی؟»



7. عیسی پاسخ داد: «اکنون از درک آنچه می کنم ناتوانی، اما بعد خواهی فهمید.» 8. پطرس به او گفت: «پاهای مرا هرگز نخواهی شست!» عیسی پاسخ داد: «تا تو را نشویم سهمی با من نخواهی داشت.» 9. پس شمعون پطرس گفت: «سرور من، نه تنها پاهایم، بلکه دستها و سرم را نیز بشوی!» 10. عیسی پاسخ داد: «آن که استحمام کرده، سراپا پاکیزه است و به شستن نیاز ندارد، مگر پاهایش. باری، شما پاکید، اما نه همه.» 11. زیرا می دانست چه کسی او را تسلیم دشمن خواهد کرد، و از همین رو گفت: «همه شما پاک نیستید.» 12. پس از آنکه عیسی پاهای ایشان را شست، ردا بر تن کرد و باز بر سفره شام نشست. آنگاه از ایشان پرسید: «آیا دریافتید آنچه برایتان کردم؟ 13. شما مرا استاد و سرورتان می خوانید و درست هم می گوئید، زیرا چنین هستم. 14. پس اگر من که سرور و استاد شمایم پاهای شما را شستم، شما نیز باید پاهای یکدیگر را بشوید. 15. من با این کار، سرمشقی به شما دادم تا شما نیز همان گونه رفتار کنید که من با شما کردم. 34. حکمی تازه به شما می دهم، و آن این که یکدیگر را محبت کنید. همان گونه که من شما را محبت کردم، شما نیز باید یکدیگر را محبت نمایید. 35. از همین محبت شما به یکدیگر، همه پی خواهند برد که شاگرد من هستید.»

زمان قبل از مصلوب شدن عیسی برای شاگردانش بسیار خطرناک بود. در این مدت یهودا عیسی را خیانت کرد، در حالی که پطرس او را انکار کرد و دیگران به سادگی فرار کردند یا به خواب فرو رفتند. به این دلیل یک مرحله حساس بود که در آن تصمیم گرفته می شد چه کسی بتواند وفادر بماند و چه کسی نه. و بنابراین تجربیات عیسی با شاگردانش قبل از مصلوب شدن وی نیز اطلاعات مهمی را برای ما فراهم می کند. آنها می خواهند به ما نشان دهند چگونه بتوانیم در عیسی سهم را بدست آوریم و نگه داریم. پس اجازه دهید ابتدا به شاگردان نگاه کنیم:

در زمان قبل از مصلوب شدن عیسی، شاگردان وی جامعه ای قوی تشکیل داده بود و از لطف مردم برخوردار بودند. حتی می توان گفت که آنها کمی معروف بودند. برخی از آنها حتی می طلبند در پادشاهی عیسی در سمت چپ و راست بنشینند. اما همه چیز فقط بر عهده خود عیسی بود، او جامعه را به وجود آورد، معجزات کرد و موعظه کرد. اگر عیسی از میان آنها کنده می شد چه چیزی باقی خواهد ماند؟ شاگردان کجا خواهند رفت؟ سرنوشت آنها چه خواهد شد؟ برخلاف سایر جوامع مذهبی، جانشین مشخصی وجود نداشت. به همین دلیل، عیسی شاگردان خود را کاملاً برای زمان آینده آماده کرد. اما در عین حال به نظر می رسد که عیسی در واقعی ناپدید نمی شد بلکه حضور خواهد ماند، تنها به شکلی دیگر. از آن پس، شاگردان حضور او را از طریق شام آخر تجربه می کردند. عیسی حضور بود حتی اگر آنها نتوانستند او را ببینند. بنابراین آنها می توانستند به مشارکت با عیسی ادامه دهند، هرچند به شیوه ای متفاوت. شستن پاهای، بخشی از آماده سازی شاگردان بود تا آنها دوران جدید را بهتر درک کنند. از یک سو، این نمادی بود که نشان دهد چگونه باید به یکدیگر خدمت کنند، به ویژه ارباب ها که قدرت داشتند باید از طریق خدمت، فروتنی و فداکاری دیگران را خدمت کنند. اما شستن پاها به یک راز بزرگتر نیز اشاره کرد: جهان نه توسط افراد عمل نیک، بلکه با قربانی عیسی بر روی صلیب نجات خواهد یافت. و به همین دلیل است که عیسی با شستن پاها مشخص کرد که خودش را فروتن می کرد و خادم ما می شود. به این ترتیب او پیشگویی اشعیا را محقق کرد که گفت: «شکل یک خادم را به خود گرفت.» در سرود فیلیپیان پولس نیز روشن کرده است. «اگرچه در قالب الهی بود، به شکل یک بنده بود. او خود را فروتن کرد و مطیع شد... تا مرگ بر روی صلیب.» عیسی با شستن پاهای خود از یک سو فقط می خواست نشان دهد که شاگردان چگونه باید در میان خود زندگی کنند. از طرفی دیگر می خواست بیش از پیش روشن کند که دنیا با انجام کارهای خوب نجات نمی یابد، بلکه با خدمت پروردگار ما عیسی مسیح انجام شده بود. چیزی که در همین این است که در مقابل صلیب بایستیم و عیسی را

بیرستیم و درک کنیم که چه کسی است که خودش را فروتن کرده است. این خود خدای متعال است! شاگردان از شستن پاها توسط عیسی تعجب کردند زیرا این کار مرسوم نبود. در آن زمان، شستن پاها در ورودی خانه امری عادی بود، زیرا مردم کفش های باز می پوشیدند و به همین دلیل پاها اغلب کثیف می شدند. در خانه های اعیانی، خادمان مسئول این کار بودند. با این حال، این خادمان اجازه نداشتند روی سفره مشترک بشناسند، بلکه فقط برای خدمت در ورودی بودند. این واقعیت که عیسی از سفر بلاند شد و به عنوان یک خدمتکار ظاهر شد، اولین شوکه بزرگ بود. توجه داشته باشید که در آن هنگام پاهای شاگردان تمیز بودند چون قبلاً در ورودی شان شسته شده بودند. در این بره نشان می دهد که عمل عیسی نمادین مهمی بود. می توان تصور کرد که شاگردان تعجب بودند. برخی ممکن است لبخند زدند در حالی که برخی دیگر ممکن است احساس خجالت داشتند زیرا شستن پاها یک عمل کاملاً شخصی است. در تمام این مدت، عیسی به چشمان هر یک از شاگردان نگاه می کرد و شاید حکایت های شخصی، توصیه ها یا تجربیات نهایی، شاید حتی یک شوخی را به اشتراک می گذاشت. اما وقتی نزد پطرس آمد، همه چیز متفاوت بود. پطرس بلد نبود شوخی کند. او نمی خواست اجازه دهد عیسی تا این حد به او نزدیک شود، به ویژه به این دلیل که نمی توانست بپذیرد که عیسی، پروردگارش، چنین وظیفه حقیرانه ای را بر عهده بگیرد. مهمتر از همه، او نمی توانست بپذیرد که عیسی، به عنوان خداوند، چنین کارهای کثیفی را انجام دهد. آیا ممکن است که پطرس چیز اساسی تری در مورد مسیحی بودن را درک نکرده باشد؟ یعنی خداوند عیسی در بهترین لحظات مسیحیت به عنوان خداوند و استاد ظاهر نمی شود، بلکه دقیقاً در جایی که دست های کثیف وجود دارد. آیا ممکن است که پطرس هنوز فکر می کرد که به عنوان یک شاگرد باید پر از عمل و اراده خوب مثل عیسی باشیم. و اینکه... بر اساس تعالیم عیسی، ما می توانیم به چیزهای بزرگی دست یابیم...؟ آیا ممکن است پطرس از همان ابتدا درک نکرد که منظور عیسی این است که او برای گناه ما می میرد و ما نمی توانیم چیزی به آن اضافه کنیم؟ ممکن است پطرس مجبور شده باشد که معنای یک مسیحی واقعی را یاد بگیرد.. او هنوز بایستی بیاموزد که هیچ قهرمانی در مسیحیت وجود ندارد، بلکه فقط گناهکاران فقیری وجود دارند که از خداوند خود عیسی مسیح آموزش دریافت می کنند. عیسی گفت: «شما هنوز نفهمیده اید که من چه می کنم...» و شاید به سوء تفاهم های عمیق تر پطرس اشاره کرد. عیسی برای او روشن کرد که این عمل خود او بسته به شریک بودن او است. و سپس پطرس می خواست از سر تا پا شسته شود. پاسخ عیسی می تواند به تعمیم اشاره کند - عیسی جواب داد هرکس یک بار شسته شود پاک است و نیازی به شستن مجدد ندارد. اشتباهی است که از نظر اخلاقی این عمل عیسی به عنوان الگویی برای فروتنی و تقلید دیگران استفاده کنیم. نجات جهان در خدمت انسان پیدا نمی شود، بلکه در عمل منحصر به فرد پروردگار ما است که خود را فروتن کرد و ما را بر روی صلیب فدیہ داد.

و با این حال اعمال عیسی بر ما و در ما تأثیر می گذارد. این امر بیش از هر چیز وقتی آشکار می شود که عیسی کل عمل را خلاصه می کند و می گوید: «حکمی تازه به شما می دهم، و آن این که یکدیگر را محبت کنید. همان گونه که من شما را محبت کردم، شما نیز باید یکدیگر را محبت نمایید. از همین محبت شما به یکدیگر، همه پی خواهند برد که شاگرد من هستید.»

عیسی و مرگ او بر روی صلیب اساس عشق ما هستند. از طریق عیسی و بنا بر اعمال او، ما می توانیم دیگران را دوست داشته باشیم - حتی کسانی که ما را آزار می دهند، توهین می کنند یا حتی ما را سرکوب می کنند. زیرا می بینیم که خود عیسی پای یهودا را نیز می شست. تعجب می کنم اگر عیسی به من نزدیک شود و پاهایم را بشوید به من چه می گوید. مطمئناً چیزهایی وجود دارد که من مانند پطرس اشتباه متوجه شدم و هنوز هم آنها را اشتباه می فهمم. به خصوص در مورد دوست داشتن دیگران، من به محدودیت های خود می رسم. در چنین لحظاتی، تنها کاری که می توانم انجام دهم این است که به عیسی نگاه کنم، او به چشمان من نگاه می کند و می گوید: «من می دانم منظورت چیست. من همچنین چیزی رو تجربه کردم اما باور کنید اشتباه می کنید - یا دستکم فقط بخشی از معنای شستن پاها را درک کرده اید!» آمین.